

جمهوریت و صلح پایدار از دیدگاه شهید مزاری



□ علی آقا مزیدی

بنیاد اندیشه

دغدغه نوع نظام‌ها، دغدغه رهیافت زندگی بشر در کانون ۱۳۹۴ توجه به فرایند دولت - ملت از اصولی‌ترین راهکار برای ایجاد نظام قانونمند، عبور از جنگ و رسیدن به صلح پایدار و به مسیرافتادن جامعه بشری به سوی رشد و تکامل است. شهید مزاری به عنوان یکی از رهبران مهم سیاسی در افغانستان، مبارزات عدالت‌خواهانه‌اش را بر اصول و باورهایی استوار کرده بود که اساس آن تهداب نظام مردم‌سالار و صلح پایدار در افغانستان بود. این مقاله تلاش خواهد کرد تا اندیشه و مبارزه شهید مزاری را در دو محور، جمهوریت و صلح پایدار در کشور به بررسی بگیرد.

محور اول: جمهوریت

الف: مبارزات مردم محور

تجربه همه جوامع در انتخاب نظام جمهوریت یکسان نیست؛

کابل گفته بود: «زندگی بیرون از شما برایم هیچ ارزشی ندارد، آرزو دارم خونم در بین شما بریزد». او با نیت خیر و صلاح مردم، سرشت یک رهبر واقعی و کاریزما را در خود پرورانده بود.

ب: انتخابات، معیار تقسیم عادلانه قدرت

حیات، دوام و مشروعیت نظام جمهوری، مبتنی بر انتخابات است. حضور و تأثیرگذاری مردم در نظام‌های جمهوری نیز تنها از طریق انتخابات میسر است. انتخابات تبلور اراده مردم برای چگونگی اعمال حاکمیت بر یک سرزمین است. انتخابات، تابلوی نفرت از نظام‌های خودکامه و استبدادی است که مردم با حضور در پای صندوق رأی می‌خواهند از همه علایق محدود نماینده، به فراینده ملی بپیوندند. ایستادن در صفوف رأی‌دهندگان، گزینه انتخابی مردم جهت نه گفتن به مقوله جنگ و خوش آمدگویی به نظام است که متضمن صلح پایدار است.

به همین لحاظ، شهید مزاری تنها راه حل مسئله افغانستان را در انتخابات آزاد می‌دانست. او در اوج بحران و کشاکش منازعه قدرت در دهه هفتاد که شماری از رهبران، از طریق جنگ و روحیه برتری طلبی قومی می‌خواستند به قدرت برسند، برگزاری انتخابات را پیشنهاد کرد. شهید مزاری، انتخابات را به حیث رکن مهم جمهوری جهت تحقق سازوکار سالم و آرام انتقال قدرت در افغانستان می‌دانست. شهید مزاری که خود سیر عبور حاکمیت‌های موروثی و خاندانی از میان خون و آتش را با تمام کمال آگاه بود، تأکید بر فراهم ساختن شرایط برگزاری انتخابات داشت. او می‌گفت: «دولت مردمی وقتی به وجود می‌آید که انتخابات برگزار شود و این انتخابات آزاد باشد و مردم آزادانه رأی بدهند که در این صورت دولت پایه مردمی پیدا می‌کند و قانونی است».

شهید مزاری برای برگزاری انتخابات شفاف نیز طرح سرشماری نفوس در کشور را مطرح کرد و گفت، توزیع عادلانه قدرت زمانی صورت می‌گیرد که شعاع وجودی اقوام ساکن در کشور معلوم شود. انتخابات‌هایی که پس از جلسه بن در کشور صورت گرفته‌اند، این حقیقت را واضح کرده‌اند که بدون مشخص شدن نفوس و جمعیت ساکن در کشور،

اما عنصر مردم‌محوری، گوهر اصلی و مشترک همه کشورها است. بال‌پرواز جمهوریت، مردم است که او را از فراز و فرودهای دشوارگذار تاریخ بشر عبور داده است. ملت‌هایی که با تمام کمال نظام جمهوریت را برگزیده‌اند، از بحران اجتماعی و سیاسی عبور کرده‌اند و برای دیگر جوامع الگو شده‌اند.

محور اساسی مبارزات سیاسی شهید مزاری نیز بر اصل آراء و خواسته مردم استوار بود. از دیدگاه شهید مزاری، عنصر اصلی در صورت بندی قدرت سیاسی حضور مردم است که از آن به «مشارکت سیاسی» تعبیر کرد. او در مشارکت سیاسی «مردم» را بدون در نظر داشت وابستگی‌های قومی‌اش محترم می‌شمرد و مدعیان برتری خواهی قومی و تباری را دشمن نظام‌های مبتنی بر اراده مردم قلمداد می‌کرد؛ چه که اگر سرشت مردم‌محوری از نظام‌ها برداشته شود، بدنه نظام به پیکری روح می‌ماند که دیکتاتوری در آن رخنه کرده و نظام مسخ شده‌ای را برای مردم به جا می‌گذارد. شهید مزاری طرح همبستگی و یکپارچگی اقوام در افغانستان را برای برون رفت از بن‌بست جنگ و نفاق داخلی در کشور مطرح کرد. به باور وی، نظامی که به مردم تعلق نداشته باشد، نمایندگی از استبداد و خودکامگی می‌کند.

مبارزات او در چوکات سازمان و احزاب سیاسی نیز در راستای مدیریت و ابزار مؤثر جهت انسجام مردم و پیروزمند ساختن مبارزه هدفمند سیاسی بود. زمانی که حزب وحدت اسلامی را تشکیل داد، با سعه صدر و دیدگاه وسیع برای اقشار مختلف مردم، احزاب و اشخاص انفرادی همه مردم جایگاه در نظر گرفت و حتی مخالفین سیاسی‌اش را نیز در بالاترین مقامات حزبی تحمل کرد. به قول استاد سرور دانش: «تمام مخالفین خود را به وحدت فراخواند و حتی شخصاً نزد افراد و گروه‌هایی رفت که قاتل پدر و برادر و خانواده او محسوب می‌شدند. به نظر او پدرکشتگی یک انگیزه شخصی است و نباید مانع تحقق هدف و مانع تحقق منافع علیای مردم شود».

او عزت خودش را در عزت مردمش می‌دید. به همین دلیل، شایع است که حتی یک خشت خام نیز از خودش به جا نگذاشته است. میراث شهید مزاری آرمان‌ها و مبارزات مردم محور او است. او زمانی در جمع کشیری از مردم غرب

برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه ناممکن است. مبهم بودن تعداد جمعیت کشور، در بسا موارد باعث تشدید بدبینی و سوءتفاهم نیز شده است. انتخابات سال ۱۳۸۹ شورای ملی غزنی با واکنش‌های تند قومی در منطقه بدل شد. در برخی ولایت‌ها محاسبات از میزان حضور اقوام را تغییر داد. به طور مثال، ما شاهد کسب آرای بلند نامزدان اقوام در اقلیت در ولایت‌های هیرومند و قندهار، و... بودیم؛ اما چون آمار ساکنان این ولایات به صورت قانون‌مند وجود نداشت، باعث بدبینی شد و سوءتفاهم دیگر اقوام مدعی اکثریت را ایجاد کرد. از این رو، شهید مزاری با درک دقیق وضعیت بی‌اعتمادی از این ناحیه و باورهای کاذب در کشور، می‌گفت: «معتقدیم که سرشماری دقیق زیر نظر سازمان ملل از جمعیت افغانستان صورت گرفته و میزان جمعیت‌های انسانی ساکن در کشور مشخص گردد».

ج: عدالت عنصر اصلی برقراری نظام عادلانه

عدالت، از دیر زمان جزء اساسی‌ترین مسائل و مهم‌ترین آرمان جامعه بشری بوده است. دانشمندان برای تحقق آن مدینه فاضله ساخته‌اند و نظام‌هایی را برای بشر پیش‌بینی کرده‌اند. عدالت خود ذاتاً فضیلتی است که در درون مایه خود، تکامل و سعادت جامعه بشری را دارد. در هر کشوری که عدالت در سازوکارهای سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته نشود، بدلیل آن ۱۳۹۴ تبعیض، ستم، فساد، در نتیجه جنگ و خون‌ریزی است. در نظام جمهوری، عدالت رکن اساسی به حساب می‌آید. هم‌چنان در نظام مبتنی بر جمهوریت، حاکمان منصف و باورمند به مؤلفه‌های عدالت می‌بایستی حکمروایی کنند. از نظر افلاطون وقتی جامعه و فرمانروایان آن ناعادل و از نظر اخلاقی فاسد باشند، فرد عادل نمی‌تواند زندگی کند. دقیقاً بر مبنای این نظریه، شهید مزاری خود قربانی عدالت طلبی شد.

از نظر شهید مزاری، عدالت به عنوان عنصر اصلی حیات نظام سیاسی در افغانستان منبع نجات ساکنین این سرزمین از یاغی‌گری و خودسری پنداشته می‌شد. شهید مزاری باور داشت، تا زمانی که عدالت در صدر برنامه‌ها و سازوکارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور

قرار نداشته باشد، دامنه بحران و چالش‌های چند بعدی و ویرانگر از خانه‌های مردم برجیده نخواهد شد.

تعدیل واحدهای اداری جهت تقسیم عادلانه قدرت از دیگر طرح‌های شهید مزاری است. او می‌گفت، همه می‌دانیم که در گذشته واحدهای اداری در افغانستان عادلانه نبوده است. زمانی که رهبران سیاسی، در سیاست اعمالی و اعلانی خود تلاش بر نادیده گرفتن اقلیت‌ها از جمله مردم هزاره و تشیع را داشتند، شهید مزاری می‌گفت در جهاد مسلحانه همگی شرکت کردیم، همگی شهید دادند، همگی اسیر دادند، همگی خانه‌شان ویران شد، همگی آواره شدند و همگی سهم گرفتند، اکنون بکشیم تا برادرانه کشورمان را آباد سازیم. زمانی که مزاری از تبعیض، ستم، نابرابری و بی‌عدالتی در افغانستان سخن می‌گفت، به طور واضح پیام این سخن شامل تمام اقوام در اقلیت از جمله جامعه هزاره و تشیع بود. او چند خواسته واضح داشت:

- رسمیت مذهب تشیع؛
- سهم بودن مردم ما در اداره و تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور؛
- تعدیل واحدهای اداری.

او این مسائل را به عنوان حق طلبی مطرح کرده و می‌گفت، حق خواهی به معنای دشمنی با دیگران نیست.

محور دوم: فهم صلح پایدار از اندیشه شهید مزاری

صلح پایدار وقتی به دست می‌آید که عوامل و دلایل جنگ تغییر کند و یا از بین برود، تا زمانی که علت جنگ باقی است هر حرکت صلح جویانه در هر کشور دچار جنگ، بی‌نتیجه و انتظار صلح پایدار عبث است.

جنگ جاری در افغانستان دلایل داخلی و خارجی دارد؛ اما در این مقوله فرصتی برای بررسی تمام عوامل جنگ نیست، تنها به دیدگاه شهید مزاری برای ختم بحران و ایجاد صلح پایدار می‌پردازیم.

شهید مزاری عوامل جنگ در کشور را درک کرده بود. به باور وی، ناسازگاری بین ملت و دولت از عوامل مهم سیال

بودن بحران در تمام عصرها و حکومت‌ها در کشور است. تاریخ تباری نظام‌ها در افغانستان نشان می‌دهد که به دلیل خصلت قومی، هیچ‌گاه حکام در تلاش ایجاد همبستگی ملی از طریق همسان‌سازی هویت‌های ملی نبوده‌اند.

هنوز هم، با وجود سپری شدن چهار دور انتخابات ریاست جمهوری پس از نشست «بن» و تشکیل حکومت مبتنی بر انتخابات و نظام جمهوریت، اما ستیزه و کشاکش در لایه‌های زیرین قدرت، قومی، قبیله‌ای، زبانی و فرهنگی است. در پله‌های بالاتر منازعه، هنوز هم منازعات قومی، تنور جنگ در کشور را شعله‌ور نگه داشته‌اند. این حقیقت است که باورهای کاذب قدرت طلبی میان مدعیان قدرت، افغانستان را به بحران دائمی بدل کرده است و فرصت لایه‌سازی برای گروه‌های تروریستی بیرون از کشور را نیز فراهم کرده است.

بسیاری از تحلیلگران ریشه جنگ بیست و هفت ساله طالبان را نیز در همین باور کاذب این گروه می‌دانند. نتیجه این رفتارها در نظام‌های مبتنی بر ساختارهای قومی چنین می‌شود که هر طرح و پلان عملی فراقومی و همه‌گیر، در «ورودی‌های قومی» چون کاغذپاره در باطله‌دانی‌ها انداخته می‌شود و حتی افرادی از اقوام دیگر، به سختی اجازه وارد شدن در درون ساختار نظام می‌یابند. شمار اندکی نیز که به چنین شانس دست می‌یابند، تحت فشار روحی روانی جبهه مدعی قدرت، در درون ساختار قرار می‌گیرند و این است که تنش از درون پرورده شده و به گروه‌های قومی در بیرون انتقال می‌یابد و این انتقال سبب ساری و جاری بودن بحران و ناامنی قرار می‌گیرد. متأسفانه وضعیت در فضای حکومت‌داری سبب شده است تا این سخن به وجود آید که ما در افغانستان قبل از آن‌که دولت داشته باشیم، به «شبه دولت» مواجه هستیم.

در افغانستان مجموعه‌ای از قوم‌ها، نژادها و زبان‌ها گرد هم آمده‌اند، حرف شهید مزاری این بود که رهبران و نخبگان سیاسی این مجموعه‌ها را به عنوان یک ملت واحد سازمان‌دهی کنند و پس از آن ملت بتواند در چارچوب دولت، در تمام سطوح جامعه و هم در بیرون نقش ایفا کند.

شهید مزاری مخالف جنگ بود، او مسیر جنگ را از راه ناگزیری و صرفاً برای به دست آوردن حقوق مردمش در پیش

گرفت. شهید مزاری پیام صلح، برادری، برابری، حاکمیت قانون و حکومت برخاسته از اراده مردم را به حیث گفتمان مسلط در فضای جنگ مطرح کرد. شهید مزاری برای برقراری صلح به چند اصل اساسی باور داشت:

- **توجه به واقعیت‌های عینی جامعه؛** او در این راستا بارها می‌گفت، که ما معتقد هستیم که هرکس روی تمامیت ارضی افغانستان و روی وحدت ملی افغانستان فکرمی‌کند، باید با واقعیت‌های عینی جامعه برخورد کند و تمام جریانات سیاسی و اقوام و ملیت‌ها را در نظر بگیرد. او می‌گفت که هر طرحی که بدون توجه به واقعیت‌های جامعه افغانستان ارائه شود، ضمانت اجرایی ندارد.

- **توجه به حقوق برابر ملیت‌ها؛** در این زمینه می‌گفت که، ما حقوق همه ملیت‌ها را می‌خواهیم، حقوق ملیت‌ها به معنای برابری و برادری است نه دشمنی با اقوام دیگر.

- **جنگ تنها در راستای دفاع از حقوق؛** از نظر شهید مزاری هیچ جنگی مشروعیت نداشت؛ مگر آن‌که در راستای دفاع از حق دینی و حقوق انسانی صورت گیرد. او می‌گفت، ما فقط یک تعهد داریم که از (حقوق) مردم خود دفاع کنیم و هرکس که به حقوق مردم ما احترام بگذارد و خواسته‌های مشروع ما را بپذیرد، ما نیز به او احترام قائل هستیم و هرگاه به حقوق مردم ما تجاوز شود، در برابر متجاوز خواهیم ایستاد. او تأکید می‌کرد که هر طرحی که به صلح، امنیت و آرامش دائمی مردم ما بینجامد، آن را قبول داریم.

- **پذیرش همدیگر به عنوان ختم جنگ؛** بی‌عدالتی و سیاست حذف همدیگر، آیین دشمنی ملیت‌ها از دیدگاه شهید مزاری بود. او می‌گفت، راه حل مسئله افغانستان پذیرش یکدیگر است.

- **منافع مردم به عنوان اصل اساسی رفتار سیاسی؛** به فکر ما علت تمام بدبختی‌ها این است که بعضی از رهبران با انحصار طلبی و جاه‌طلبی برخورد می‌کنند و هیچ‌گاه به منافع مردم نمی‌اندیشند.

نتیجه‌گیری:

با وجودی که بیشتر دیدگاه و نظریات شهید مزاری در قانون

اساسی، اجلاس بن به عنوان پایه‌گذاری نظام جمهوری در کشور عملی شده است؛ اما متغیرهای اجتماعی و سیاسی که تنور جنگ را در کشور شعله‌ور ساخته‌اند و آن‌ها را شهید مزاری نیز از ریشه‌های بحران جنگ قلمداد می‌کرد، هنوز هم باقی‌اند. هنوز هم قبیله‌گرایان و کشورهای مخالف این نظام در تلاش هستند تا فضا را جنگی نگه دارند. با استفاده از نظریات شهید مزاری، به این نتیجه می‌رسیم که هنوز دولت در افغانستان، به عنوان یک مفهوم مدرن شکل نگرفته است؛ زیرا ملتی که در این کشور وجود دارد، براساس خودآگاهی و مشترکات فرهنگی - ملی به وجود نیامده است؛ هنوز سیاست حذف در افکار رهبران قبیله‌گرا حرف اول را می‌زند. ریشه قومی سیاست همچنان تازه و جوانه پرور است. ما در کشور خود با توده‌های انسانی مواجه هستیم که در درون این جغرافیا تمرکز پیدا کرده‌اند و زندگی می‌کنند بدون این‌که نسبت به هم احساس شهروندی، همبستگی و مشارکت‌های فرهنگی داشته باشند. در نتیجه، ما در افغانستان با بحران

هویت، بحران مشروعیت و بحران مشارکت روبه‌رو هستیم. در شرایط حاضر مذاکرات صلح در قطر جریان دارد؛ اما هنوز فضای مذاکرات از سوی طالبان آکنده از نفرت پراکنی علیه اقوام است. طالبان به عنوان یک طرف مذاکره، با روحیه برتری طلبی قومی کسب جایگاه انحصاری قدرت در میز مذاکرات تأکید می‌کنند. هنوز عقبه حمایتی طالبان، راضی به ختم جنگ در افغانستان نیست. طالبان، نوع نظام را مطابق باورهای اعتقادی خود بدون در نظر داشت خواست مردم افغانستان مطالبه دارند. از دید آنان نظام جمهوری، مردود خوانده می‌شود؛ نظام امارتی که تا هنوز تحلیل واقع‌بینانه‌ای نیز از چگونگی آن ارائه داده نتوانسته‌اند، خواسته این گروه است. به طور واضح تا زمانی که واقعیت اجتماعی جامعه افغانستان در نظر گرفته نشود، تا زمانی که مردم در شکل‌دهی نظام نقش نداشته باشند، سخن از صلح پایدار خیال‌بیش نیست. صلح باید تضمین‌کننده ارزش‌های حقوق بشری و تأمین‌کننده آزادی‌های عمومی افراد در جامعه باشد.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴